



Research Article

Anticipation of the Type of Ego Defensive Styles through Alexithymia and Anger Rumination and their Difference between Men and Women

Masumeh Eslami ^{1,*} , Zohre Khosravi ², Leila Cheragh Molayi ³, Shaghayegh Zahrayi ³

¹ PhD Student of General Psychology, Department of Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran

² Professor, Department of Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran

³ Assistant Professor, Department of Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran

* **Corresponding author:** Masumeh Eslami, PhD Student of Clinical Psychology, Department of Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran. E-mail: isma232000@yahoo.com

DOI: [10.21859/nkjmd-100314](https://doi.org/10.21859/nkjmd-100314)

How to Cite this Article:

Eslami M, Khosravi Z, Cheragh Molavi L, Zahrayi S. Anticipation of the Type of Ego Defensive Styles through Alexithymia and Anger Rumination and their Difference between Men and Women. *J North Khorasan Univ Med Sci.* 2017;**10**(3):85-92. DOI: 10.21859/nkjms-100314

Received: 22 Jul 2018

Accepted: 29 Oct 2018

Keywords:

Ego Defensive Styles
Alexithymia
Anger Rumination

Abstract

Introduction: Defensive styles have a very important role in the study of personality and social exchanges. Awareness of emotions and memories related to anger is also very influential in this regard. Therefore, identification and communication of thoughts and feelings for long-term psychological adjustment is very important. The purpose of this study was to predict the type of Ego defensive styles with Alexithymia and anger rumination between male and female.

Methods: For this purpose, a sample of 348 students (153 girls, 195 boys) as the quotas sampling were selected among students. For data gathering, Andrews's Defense Styles Questionnaire, Toronto Alexithymia Scale, and Sakhodlolsky Anger rumination scale were used. The statistical methods used in this study are multivariate regression and Mann-Whitney test.

Results: Suggests that: in immature Defense style, predictive variables of Alexithymia and gender are predicted to be 40% percent of variance. In the neurotic defensive style, all three variables (gender and Alexithymia and anger rumination) predict 0.14 percent of variance. Also, according to Mann Whitney's test, the mean Alexithymia was higher in men than in women ($P < 0.01$). There was not a significant difference between male and female anger rumination variables ($P > 0.5$).

Conclusions: Alexithymia and anger rumination are effective in the use of immature and neurotic defensive styles. Also, the lack of emotional awareness and alexithymia in men is more than women, which can be the cause of many psychological and physical disorders. Therefore, the training required for men in this regard is emphasized. Conclusion: Alexithymia and lack of awareness of feelings and difficulty in expressing them among men are more than women, and it is advisable to minimize the number of different training courses for men. It will, therefore, create communication issues in the workplace and in personal life.



بررسی ارتباط بین سبک‌های دفاعی "من" از طریق ناگویی هیجانی و نشخوار خشم

معصومه اسلامی^{۱*}، زهره خسروی^۲، لیلا چراغ ملایی^۳، شقایق زهرایی^۳

^۱ دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی، گروه روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

^۲ استاد، گروه روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

^۳ استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: معصومه اسلامی، دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی، گروه روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. ایمیل:

isma232000@yahoo.com

DOI: 10.21859/nkjms-100314

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۰۷

واژگان کلیدی:

سبک‌های دفاعی

ناگویی هیجانی

نشخوار خشم

مقدمه: سبک‌های دفاعی در مطالعه شخصیت و تبدلات اجتماعی سهم بسیار مهمی را به خود اختصاص داده‌اند. آگاهی از هیجانات و خاطرات مرتبط با خشم نیز در این خصوص بسیار تأثیر گذار هستند. بنابراین شناسایی و ارتباط افکار و احساسات برای سازگاری روانشناختی در دراز مدت بسیار مهم است. به همین منظور، هدف پژوهش حاضر پیش بینی نوع سبک‌های دفاعی "من" با دخالت ناگویی هیجانی و نشخوار خشم، بین دو جنس زن و مرد می‌باشد.

روش کار: بدین منظور، نمونه‌ای متشکل از ۳۴۸ نفر از دانشجویان (۱۵۳ دختر، ۱۹۵ پسر) به صورت نمونه گیری سهمیه‌ای از بین دانشجویان انتخاب شدند. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه‌های سبک‌های دفاعی اندروز، پرسشنامه ناگویی هیجانی تورنتو و پرسشنامه نشخوار خشم ساخودولوسکی استفاده شد. روش آماری مورد استفاده در این پژوهش رگرسیون چند متغیره و آزمون مان ویتنی است.

یافته‌ها: حاکی از این است که: در سبک دفاعی رشد نیافته، متغیرهای ناگویی هیجانی و جنسیت ۰/۴۰ واریانس را پیش بینی می‌کنند. ودر سبک دفاعی نوروتیک هر سه متغیر (جنسیت و ناگویی هیجانی و نشخوار خشم) ۰/۱۴ درصد واریانس را پیش بینی می‌کنند. همچنین با توجه به آزمونمان ویتنی، میانگین ناگویی هیجانی در بین مردان بیشتر از زنان بود ($P > ۰/۰۱$). در مورد متغیر نشخوار خشم بین زن و مرد تفاوت معنی داری مشاهده نشد ($P > ۰/۵$).

نتیجه گیری: ناگویی هیجانی و عدم آگاهی از احساسات و دشواری در بیان آنها بین مردان بیشتر از زنان بوده و بهتر است طی برگزاری آموزشهای متنوع این مساله در بین مردان به حداقل برسد. زیرا باعث ایجاد مسائل ارتباطی در محیط کار و زندگی شخصی خواهد بود.

مقدمه

مطابق با دیدگاه روانکاوی، سبک‌های دفاعی در مطالعه شخصیت سهم بسیار مهمی را به خود اختصاص داده است. فروید اولین کسی بود که به وجود این مکانیزمها پی برد و آنها را به عنوان ابزارهای مهم و اصلی ناخودآگاه معرفی کرد که با غرایز و تکانه‌های ایگو کنترل می‌شوند. این مکانیزمها می‌توانند هم، سازشکارانه باشند و هم می‌توانند آسیب زا. بعد از فروید، آنا فروید اولین کسی بود که آنها را به طور جامع مطالعه کرد. به زعم ایشان این مکانیزمها باعث رها سازی اضطراب ناشی از تعارض بین اید و سوپر ایگو شده و آنها را کاهش می‌دهند [۱]. فرایندهای خود نظم دهی خودکار، عنوانی است که برای سبک‌های دفاعی من (Ego Defense style) بکار برده شده است. وایلنت دفاعها را بر حسب رابطه آنها با رشد یافتگی روانی - اجتماعی و آسیب‌های روانشناختی به صورت سلسله مراتبی تنظیم کرده است. در همین راستا، اندروز و همکاران [۲] بیست مکانیزم دفاعی "من" را بر حسب سه سبک رشد یافته، نوروتیک و رشد نیافته طبقه بندی کرده‌اند. در پژوهشها، بین مکانیزمهای دفاعی رشد نیافته و نوروتیک با اختلال‌های روانی مانند

افسردگی [۳] اختلال وحشت زدگی [۴] و اختلال شخصیت مرزی [۵] رابطه معنی داری مشاهده شده است. نیز در پژوهشها رابطه معنادار خشم با مکانیزمهای فرافکنی، جابجایی و واپس روی تأیید شده است. مطالعه بیماران افسرده نیز نشان داد که سبک‌های دفاعی مرتبط با خشم در این افراد عبارتند از: پرخاشگری انفعالی، واکنش متضاد، انکار و همانند سازی با پرخاشگر که از ابراز خشم جلوگیری می‌کنند و مدیریت تعارضات فرد را با مشکل مواجه می‌سازد [۱].

مطابق با تئوری هیجان، هیجاناتها با رویدادهای درونی و بیرونی برانگیخته می‌شوند و خاطرات مرتبط با هیجانات، می‌توانند بدون حضور محرک بیرونی، هیجانی مشابه را ایجاد کنند. نشخوار خشم یک فرایند اجتناب ناپذیر و تکرار شونده است که در جریان خشم ظاهر می‌شود و مسول تداوم و افزایش خشم به حساب می‌آید [۶] و به طور معناداری خصومت و پرخاشگری کلامی - فیزیکی را افزایش می‌دهد [۷]. نشخوار خشم، صحبت کردن در مورد شخص ثالث، صحبت کردن از جنبه‌های مثبت رویداد خشم برانگیز، همه باعث کاهش خشم و عصبانیت شده و

روش کار

طرح پژوهش حاضر یک پژوهش توصیفی - تحلیلی است که به صورت مقطعی انجام شد. این پژوهش توصیفی از نوع طرح‌های همبستگی به شیوه پیش بین (رگرسیون) است. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه دانشجویان دانشگاه بجنورد در سال ۱۳۹۶ را شامل می‌شد که ۳۲۸۷ نفر گزارش شده بودند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری سهمیه‌ای بوده است. (به این صورت که سهم دختر و پسر هر دانشکده در نمونه آماری پژوهش، متناسب با سهم آنان در جامعه آماری پژوهش بود) با این تناسب تعداد نمونه ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد. در هنگام جمع آوری نهایی به علت ریزش نمونه و ناقص بودن بعضی از پرسشنامه‌ها مجبور به کنار گذاشتن آن پرسشنامه‌ها بودیم. و تعداد نمونه به ۳۴۸ نفر رسید. تحلیل داده‌ها به کمک نرم افزار SPSS-22 و با آزمونهای آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و استنباطی (تحلیل رگرسیون چند متغیره گام به گام و همزمان) و نیز آزمون کولموگروف اسمیرنوف و یومان ویتنی انجام شد.

ابزارهای پژوهش

اطلاعات جمعیت شناختی آزمودنی‌ها از طریق چک لیست ویژگی‌های جمعیت شناختی گردآوری شد. در این پرسشنامه اطلاعاتی در مورد سن، جنس، تعداد اعضای خانواده و... دانشکده، رشته، بومی یا غیر بومی، مجرد یا متأهل بودن و اینکه فرزند چندم خانواده هستند، لحاظ شده بود.

پرسشنامه سبک‌های دفاعی [۲] یک ابزار ۴ سوالی است که در مقیاس ۹ درجه‌ای لیکرت (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) بیست مکانیزم دفاعی را برحسب سه سبک دفاعی رشد یافته، نوروپیک و رشد نیافته می‌سنجد.

سبک دفاعی رشد یافته شامل: مکانیزم‌های والایش (Sublimation)، شوخ طبعی (Humor)، پیش بینی (Anticipation)، و فرونشانی (Suppression)

سبک‌های دفاعی نوروپیک عبارتند از: ابطال (Undoing)، نوع دوستی کاذب (Pseudo - altruism)، ارمان سازی (Idealization)، و واکنش متضاد (Reaction Formation)

سبک دفاعی رشد نیافته شامل: فراقکنی (Projection)، پرخاشگری نافعال (Passive - aggressive)، عملی سازی (Acting-out)، مجزا سازی (Isolation)، نارزنده سازی (Devaluation)، خیال پردازی (Autistic Fantasy)، انکار، جایجایی (Denial)، تفرق (Displacement)، دوپارگی (Dissociation)، دلیل تراشی (Splitting)، و بدنی سازی (Rationalization)

ضریب آلفای کرونباخ برای پرسش‌های هر یک از سبک‌های دفاعی، رضایت بخش توصیف شده‌اند [2]. ویژگی‌های روانسنجی نسخه فارسی پرسشنامه سبک‌های دفاعی در چندین پژوهش، که در خلال سال‌های ۸۵-۱۳۷۸ در نمونه‌های بیمار (n = ۴۲۳) و بهنجار (n = ۱۳۹۷) انجام شده‌اند، مورد بررسی و تأیید قرار گرفته‌اند. در این پژوهش‌ها، ضریب آلفای کرونباخ برای پرسش‌های هر یک از زیر مقیاس‌های پرسشنامه سبک‌های دفاعی برای سبک رشد یافته از ۰/۸۳ تا ۰/۹۴، برای سبک رشد نیافته از ۰/۸۱ تا ۰/۹۲ و برای سبک نوروپیک از ۰/۷۹ تا ۰/۹۱

خشم ایجاد شده را کاهش می‌دهد [۸]. خشم با انواع خاطرات خشم آلود گذشته، برانگیخته شده و تمایل به فکر کردن مکرر درباره آنها "نشخوار خشم" (Anger rumination) تلقی می‌شود که با افکار منفی، نگرانی و افسردگی همراه است. نشخوار خشم بیشتر منجر به آسیب‌های بیرونی می‌شود و نشخوار افسردگی بیشتر باعث آسیب‌های درونی می‌شود [۹]. افرادی که خشم را نشخوار می‌کنند، بارها خشم را به صورت تصور ذهنی با تمام جزئیات پرخاشگرانه و خیالپردازانه مربوط به انتقام تجربه می‌کنند [۶].

از موارد دیگری که در تبادلات اجتماعی تأثیر گذار بوده، عدم آگاهی اشخاص از احساس‌ها و هیجانانشان و نا توانی بیان این احساس برای اشخاص دیگر است که در افزایش خشم نیز مؤثر است. عدم آگاهی هیجانی یا ضعف در تشخیص آن، چندین دهه مورد مطالعه قرار گرفته است و به عنوان ناگویی هیجانی (Alexithymia) شناخته می‌شود. افراد مبتلا به ناگویی هیجانی دارای ضعف در شناخت افکار و احساسات هستند. این مسأله ممکن است منجر به بروز تنش، اضطراب و افسردگی شود. شناسایی و ارتباط افکار و احساسات برای سازگاری روانشناختی در دراز مدت بسیار مهم است [10]. اصلی‌ترین ویژگی‌های ناگویی هیجانی شامل ناتوانی در شناخت و توصیف کلامی هیجانهای تجربه شده، نقص و نارسایی در تفکر نمادین است که ابراز احساسات، خواسته‌ها و تمایلات را به طور معنادار محدود می‌کند. ناتوانی در بکارگیری احساسات، به عنوان علائم احتمالی مشکلات هیجانی مانند خشم بشمار می‌آید [۱۱]. ناگویی هیجانی حتی در تحمل استرس‌های زندگی تأثیرگذار است. ناتوانی در شناخت افکار و احساسات و بیان آنها در رشد و توسعه استرس‌ها مؤثر است [۱۲].

عدم شناخت در مورد احساس‌ها و هیجانها و نشناختن هیجانها باعث می‌شود افراد پاسخ نامناسبی را از خود نشان دهند. مکانیسم‌های دفاعی که مسولیت محافظت از «من» را در مواجهه با شکل‌های مختلف اضطراب بر عهده دارند، تحت تأثیر سازه‌های مختلف شخصیتی ممکن است کنش‌وری بهنجار یا نابهنجار داشته باشند. از آنجا که سبک‌های دفاعی به عنوان مکانیزم‌های روانشناختی به فرد در مدیریت عواطف منفی و ناتوان کننده و حتی درمانهای مربوط به آن کمک می‌کنند [۱۳]، در روابط بین فردی و الگوی تعاملی انسان نقش ویژه‌ای دارند. البته مکانیزم‌های بالغ و رشد یافته، الگوی تعاملی انسان را به یک الگوی رفتاری سالم تبدیل می‌کند. در این بین مواردی وجود دارد که موجب استفاده از سبک‌های دفاعی ناسالم می‌شود، که می‌توان به ناگویی هیجانی و نشخوار خشم اشاره نمود.

با توجه به مطالب بیان شده، نقشی که نشخوار خشم و ناگویی هیجانی در ایجاد و تحریک سبک‌های دفاعی ایفا می‌کند می‌تواند آغازگر تعاملات روزمره زندگی و ایجاد نقشی غالب در بین افراد باشد. لذا بررسی آنها در بین زنان و مردان و پیشگیریهای لازم در خصوص جلوگیری از سبک‌های ناکارآمد می‌تواند در بهزیستی روانی افراد مفید باشد. با توجه به نکات مطرح شده فرضیه‌های مورد بررسی عبارتند از: ۱- ناگویی هیجانی و نشخوار خشم سبک‌های دفاعی را پیش بینی می‌کنند. ۲- بین میانگین زنان و مردان در ناگویی هیجانی تفاوت معنی دار وجود دارد. ۳- بین میانگین زنان و مردان در نشخوار خشم تفاوت معنی داری وجود دارد.

مقیاس نشخوار خشم (ARS: Anger Rumination Scale) یک آزمون ۱۹ سوالی است. که توسط ساکودولسکی و همکاران [۶] برای سنجش تمایل به تفکر در مورد موقعیت‌های خشم انگیز فعلی و یادآوری تجربه‌های خشم انگیز ساخته شده است. سؤال‌های آزمون، چهار زیر مقیاس نشخوار خشم شامل، پس فکری خشم (Angry after Thoughts)، افکار تلافی جویانه (Thoughts of Revenge)، خاطره‌های خشم (Angry Memories)، و شناختن علت‌ها (Understanding of Causes) را در اندازه‌های چهار درجه‌ای لیکرت از نمره یک (خیلی کم) تا نمره چهار (خیلی زیاد) می‌سنجد. نمره گذاری آزمون به صورتی است که نمره بیشتر بیانگر نشخوار خشم است. از محاسبه نمره‌های سؤالات چهار مقیاس، نمره نشخوار خشم کلی به دست می‌آید. ویژگی‌های روانسنجی نسخه فارسی مقیاس نشخوار خشم در چندین پژوهش بررسی و تأیید شده است [۱۸، ۱۹]. بر حسب یافته‌های مقدماتی، ضرایب آلفای کرونباخ پرسش‌های هر یک از مقیاس‌های نشخوار خشم (نمره کل)، پس فکری خشم، افکار تلافی جویانه، خاطره‌های خشم و شناختن علت‌ها به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۳، ۰/۸۷، ۰/۷۸، محاسبه شده که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس است. ضرایب همبستگی بین نمره‌های مذکور در دو نوبت با فاصله چهار تا شش هفته برای نشخوار خشم (نمره کل) $r = 0.77$ برای پس فکری خشم $r = 0.79$ برای افکار تلافی جویانه $r = 0.83$ برای خاطره‌های خشم $r = 0.81$ و برای شناختن علت‌ها $r = 0.74$ بدست آمدودر سطح $P > 0.01$ معنادار بودند. این ضرایب نشانه پایایی بازآزمون رضایت بخش مقیاس نشخوار خشم هستند.

یافته‌ها

شرکت کنندگان پژوهش متشکل از ۱۵۳ نفر زن (۴۴ درصد) و ۱۹۵ مرد (۵۶ درصد) بود. در این پژوهش جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح آمار توصیفی از میانگین و انحراف استاندارد و به منظور پیش بینی سبک‌های دفاعی توسط ناگویایی هیجانی و نشخوار خشم از تحلیل رگرسیون و نیز برای بررسی تفاوت میانگین‌ها از یومان ویتنی استفاده شد.

به دست آمد. این ضرایب همه در سطح $P > 0.001$ معنادار هستند، پایایی بازآزمایی پرسشنامه سبک‌های دفاعی را تأیید می‌کنند. روایی همگرا و تشخیصی (افترقی) نسخه فارسی پرسشنامه سبک‌های دفاعی از طریق اجرای همزمان مقیاس سلامت روانی، مقیاس مشکلات بین شخصی (Inventory of Interpersonal Problems)، مقیاس‌های نوروژیک (Neuroticism)، و برونگرایی (Extraversion)، مقیاس شخصیتی (NEOPI-R: Neo Personality Inventory-)، مقیاس خودکارآمدی، مقیاس درجه بندی حرمت خود انجام شده است.

مقیاس ناگویایی هیجانی تورنتو (Toronto Alexithymia Scale) FTAS-۱۰ [۱۴] یک آزمون ۲۰ سوالی است و سه زیر مقیاس دشواری در شناسایی احساسات (Difficulty Identifying Feelings)، دشواری در توصیف احساسات (Difficulty Describing Feelings) و تفکر عینی (Externally Oriented Thinking) را در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ (کاملاً مخالف) تا نمره ۵ (کاملاً موافق) می‌سنجد. یک نمره کل نیز از جمع نمره‌های سه زیر مقیاس برای ناگویایی هیجانی کلی محسوب می‌شود. ویژگی‌های روانسنجی مقیاس ناگویایی هیجانی تورنتو -۲۰ در پژوهش‌های متعدد بررسی و تأیید شده است [۱۵، ۱۶]. در نسخه فارسی مقیاس ناگویایی هیجانی تورنتو -۲۰ [۱۷] ضرایب آلفای کرونباخ برای ناگویایی هیجانی و سه زیر مقیاس دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۲، ۰/۷۵ و ۰/۷۲ محاسبه شد. پایایی باز آزمایی مقیاس ناگویایی هیجانی تورنتو -۲۰ در یک نمونه ۶۷ نفری در دو نوبت با فاصله چهار هفته از $r = 0.7$ تا $r = 0.7$ برای ناگویایی هیجانی کل و زیر مقیاس‌های مختلف تأیید شد. روایی همزمان مقیاس ناگویایی هیجانی تورنتو -۲۰ بر حسب همبستگی بین زیر مقیاس‌های این آزمون و مقیاس‌های هوش هیجانی (Emotional Intelligence)، بهزیستی روانشناختی (Psychological Well-being)، درماندگی روانشناختی (Psychological Distress)، بررسی و مورد تأیید قرار گرفت.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پیش بین و ملاک

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد
سبک دفاعی رشد نیافته	۱۱۴/۹۶	۲۱/۲۰۲	۳۸۴
نشخوار خشم	۴۴/۶۴	۸/۴۲	۳۸۴
ناگویایی هیجانی	۵۵/۲۷	۸/۴۰	۳۸۴
نوروتیک	۳۵/۴۶	۸/۴۷	۳۸۴

دفاعی نوروتیک ۳۵/۴۶ و انحراف استاندارد آنها به ترتیب: ۸/۴۷، ۸/۴۰، ۴۰/۳۱، ۴۲/۲۰۲ بدست آمده است.

جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پیش بین و ملاک را نشان می‌دهد. طبق جدول ۱ میانگین آزمودنیها در سبک دفاعی رشد نیافته ۱۱۴/۹۶، نشخوار خشم ۴۴/۶۴، ناگویایی هیجانی ۵۵/۲۷، سبک

جدول ۲: ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

ضریب همبستگی	جنسیت	ناگویایی هیجانی	نشخوار خشم	سبک دفاعی رشد نیافته
سبک دفاعی رشد نیافته	۰/۱۴۸	۰/۱۷۹	۰/۱۹۹	۱/۰۰۰
نشخوار خشم	۰/۱۳	۰/۳۲۲	۱/۰۰۰	
ناگویایی هیجانی	۰/۱۳۵	۱/۰۰۰		
جنسیت	۱/۰۰۰			

جدول ۳: خلاصه تحلیل واریانس شاخص‌های آماری و مدل رگرسیون چندگانه گام به گام متغیرهای پیش بین و وابسته (ناگوی هیجانی، نشخوار خشم و جنسیت) در سبک دفاعی رشد نایافته

مدل رگرسیون	سطح آزادی	نمره f	سطح معنی داری	R	R2	Adjusted R	Beta	t	سطح معنی داری
ناگوی هیجانی	۲,۳۴۵,۳۴۷	۱۱/۱۷۱	۰,۰۰۰	۰/۲۴۷	۰/۰۶	۰/۰۵۵	۰/۱۰۹		۰/۰۵۰
ناگوی هیجانی و جنسیت	۱,۳۴۶,۳۴۷	۳	۰/۰۰۰	۱/۱۹۹	۰/۴۰	۰/۰۳۷	۰/۱۲۸	۲/۳۱	۰/۰۲۱
جنسیت		۱۴/۰۲		۰			۰/۱۴۵	۲/۷۸	۰/۰۰۶

گام دوم این تحلیل متغیر جنسیت به عنوان دیگر متغیر قوی پس از متغیر قبلی وارد معادله پیش بین سبک رشد نایافته شد. که با اضافه شدن این متغیر قدرت پیش بینی (در گام دوم بوسیله ناگوی هیجانی و جنسیت) از ۰/۰۶ به ۰/۴۰ افزایش یافت. ($P > ۰/۰۰۰$). ($F = ۱۴/۳۲$, $df = (۱,۳۴۶,۳۴۷)$). در واقع با اضافه شدن متغیر جنسیت قدرت پیش بینی افزایش یافت. نتایج حاکی از این موضوع است که ترکیب متغیر ناگوی و جنسیت در پیش بینی سبک دفاعی رشد نایافته بسیار مؤثر است.

جدول ۳ خلاصه تحلیل واریانس و نتایج رگرسیون چند متغیره را نشان می‌دهد. البته برای استفاده از تحلیل رگرسیون مفروضه‌هایی نیز لازم است از جمله: همگنی واریانسها، نرمال بودن توزیع خطاها و نیز نرمال بودن داده‌های متغیر وابسته. برای پی بردن به نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد که در سطح $0/05 > P$ معنادار بود. بنابراین شرط استفاده از رگرسیون برقرار شد. طبق جدول بالا: در گام اول متغیر ناگوی هیجانی به عنوان قوی‌ترین متغیر پیش بین به تنهایی ۰/۰۶ درصد واریانس سبک رشد نایافته را پیش بینی می‌کند ($P > ۰/۰۰۰$), ($F = ۱۱/۱۷۱$, $df = (۲,۳۴۵,۳۴۷)$).

جدول ۴: نتایج آزمون رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان برای پیش بینی سبک نوروتیک توسط متغیرهای ناگوی هیجانی، جنسیت و نشخوار خشم

متغیرهای پیش بین	Beta	T	Sig	R2	F	Df	P <
جنسیت	-۰/۰۹۱	-۱/۶۹۰	۰/۰۹۲	۰/۱۴۰	۲/۳۰۵	۳	۰/۰۷۷
ناگوی هیجانی	-۰/۰۶۰	-۱/۰۶۰	۰/۲۹۰				
نشخوار خشم	۰/۱۰۲	۱/۸۱۷	۰/۰۷۰				

ازمونهای پارامتریک یا ناپارامتریک از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد که سطح معنی داری آزمون کوچکتر از ۰/۰۵ بود و آزمون ناپارامتریک مان ویتنی مناسب تشخیص داده شد. نتایج در جداول زیر گزارش شده است.

با توجه به جدول ۴ تعداد زنان ۱۵۳ و تعداد مردان ۱۹۵ نفر با میانگین رتبه‌ای به ترتیب: ۱۵۹/۱۱ و ۱۸۶/۵۸ و سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ حاکی از معنی دار بودن تفاوت میانگین بین زنان و مردان است.

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان حاکی از آن بود که متغیرهای ناگوی هیجانی، جنسیت و نشخوار خشم از میان متغیرهای پیش بین دارای قدرت پیش بینی معناداری برای متغیر سبک نوروتیک می‌باشند. این تحلیل نشان می‌دهد که این ۳ متغیر در مجموع ۰/۱۴ از واریانس متغیر سبک نوروتیک را پیش بینی می‌کنند ($P > ۰/۰۷۷$). ($F = ۲/۳۰۵$, $df = ۳$). برای بررسی تفاوت میانگین نمرات نشخوار خشم و ناگوی هیجانی بین دو جنس از آزمون مقایسه میانگینها استفاده می‌شود. اما ابتدا برای تشخیص نرمال بودن توزیع داده‌ها و استفاده از

جدول ۵: مقایسه میانگین ناگوی هیجانی در دو جنس زن و مرد بوسیله آزمونمان ویتنی

جنسیت	تعداد	میانگین رتبه	نمره مان ویتنی	سطح معنی داری
زن	۱۵۳	۱۵۹/۱۱		
مرد	۱۹۵	۱۸۶/۵۸	۱۲۵۶۲/۵۰۰	۰/۰۱۱

جدول ۶: مقایسه میانگین نشخوار خشم در دو جنس زن و مرد بوسیله آزمونمان ویتنی

جنسیت	تعداد	میانگین رتبه	نمره مان ویتنی	سطح معنی داری
زن	۱۵۳	۱۷۱/۷۴		
مرد	۱۹۵	۱۷۶/۶۷	۱۴۴۹۵/۰۰۰	۰/۶۵۰

پیش بینی کنند و سهم هر متغیر در این پیش بینی چقدر است؟ هدف بعدی پژوهش تفاوت این متغیرها در بین زنان و مردان بود. طبق نتایج پژوهش علاوه بر وجود رابطه هر کدام از متغیرهای ناگوی هیجانی و نشخوار با سبک‌های دفاعی "من"، مشاهده شد که در پیش بینی میزان ارتباط آن نیز نقش بسزایی داشتند. اما وجود متغیری بنام جنسیت میزان این پیش بینی را به نحو چشمگیری هم در سبک دفاعی رشد نایافته و هم در سبک دفاعی نوروتیک افزایش می‌دهد. نتایج تحلیل

با توجه به جدول ۵ تعداد زنان ۱۵۳ و تعداد مردان ۱۹۵ نفر با میانگین رتبه‌ای به ترتیب: ۱۷۱/۷۴ و ۱۷۶/۶۷ و سطح معنی داری بیشتر از ۰/۰۵ حاکی از معنی دار نبودن تفاوت میانگین بین زنان و مردان است.

بحث

این پژوهش به دنبال پاسخ این سؤال بود که آیا ناگوی هیجانی و نشخوار خشم و نیز جنسیت می‌توانند نوع سبک‌های دفاعی "من" را

نقش سنتی مردان در جامعه توجیهی برای تأثیر گذاری روی هیجانات و شناسایی و ابراز آن‌ها می‌داند. از طرفی تفاوت بین زنان و مردان به صورت کلی مشاهده نشده. بلکه در خرده مقیاس جهت گیری بیرونی در تفکر، تفاوت مشاهده شد [۲۶].

در مورد متغیر بعدی که نشخوار خشم بود با توجه به آزمونمان ویتنی این تفاوت در بین دو جنسیت (زنان و مردان) معنی دار مشاهده نشد. این یافته مخالف با پژوهش جانسون و همکاران [۲۷] است. آنان دریافته بودند که زنان بیشتر از مردان دارای نشخوار بوده و لذا نسبت به مردان دو برآر بیشتر به افسردگی مبتلا هستند. از طرفی یافته پژوهش حاضر با پژوهش گورا و همکاران [۲۸] نیز متفاوت است. آنان به بررسی نقش جنسیت و نشخوار خشم بین جنبه‌های روانی و عملکرد پرخاشگری در بزرگسالان پرداخته بودند. یافته‌ها حاکی از این بود که در بین زنان عملکرد پرخاشگری و آسیب کمتر از مردان است. همچنین نشخوار خشم در بین زنان تأثیر کمتری را بر میزان پرخاشگری نسبت به مردان نشان می‌دهند و میانگین نمرات نشخوار خشم در بین زنان کمتر از مردان مشاهده شد.

با توجه به نتایج پژوهش می‌توان به جنبه‌های عملی و نظری پژوهش حاضر اشاره کرد: در سطح عملی و مخصوصاً بالینی تهیه برنامه‌های آموزشی مهارت‌های ابراز هیجانات و کنترل خشم و نشخوار خشم می‌تواند به استفاده بهینه از مکانیزم‌های دفاعی رشد یافته کمک کند. این برنامه‌ها می‌توانند به چارچوب برنامه‌های مداخله‌ای موجود در زمینه پردازش‌های شناختی اطلاعات هیجانی و تنظیم هیجان‌ها و نیز سبک‌های دفاعی افراد بیافزاید. در این راستا پژوهش‌های مرتبط با متغیرهای شخصیتی، بین شخصی، خانوادگی و اجتماعی تأثیرگذار بر شکل گیری و تداوم نشخوار خشم، ناگویی هیجانی و سبک‌های دفاعی از اهمیت بیشتری برخوردارند. و هر یک از این زمینه‌ها، صفحه‌های مرموز و ناشناخته‌ای را پیش روی پژوهشگران قرار می‌دهند.

محدودیت‌ها

از آنجا که این پژوهش برای اولین بار در جامعه ایرانی انجام می‌شود، نیازمند تکرار در نمونه‌های مختلف، مخصوصاً افراد مبتلا به اختلالات روانی و بیماری‌های جسمی، اقشار غیر بالینی، شاغلین و... و تأییدهای تجربی بیشتر است تا نتیجه پژوهش با احتیاط بیشتر تفسیر شود. خیلی از خصلتها مثل ناگویی هیجانی و خشم معمولاً در درگیریهایی پیچیده زندگی بسیار محسوس تر خواهد بود. از آنجا که زندگی دانشجویی به اندازه زندگی خانوادگی بار مسولیت ندارد این امکان وجود دارد که پیدایش این ویژگی‌ها در قشر جوان کمتر ملموس باشد. نوع طرح پژوهشی، نمونه مورد بررسی، ابزار و روش اجرا نیز هر کدام به نوع خود محدودیت‌هایی را بر نتیجه گیری‌های قطعی از یافته‌ها تحمیل می‌کنند.

نتیجه گیری

کمبود توانایی فرد برای شناسایی و بیان احساسات، دفاع‌ها و همچنین سبک‌های شناختی تنظیم هیجان فرد در سلامت روانی نقش مهمی را ایفا می‌کند. با توجه به اینکه دفاعهای "من" به عنوان مکانیسم‌های روانشناختی به منظور مدیریت عواطف ناتوان کننده مفهوم پردازش شده‌اند، اما دشواری در بازشناسی هیجانها و نارسایی در برقراری

رگرسیون چند متغیره این نقش را تأیید کرد. کمبود توانایی فرد برای شناسایی و بیان احساسات دفاعها همچنین سبک‌های شناختی تنظیم هیجان فرد در سلامت روانی نقش مهمی را ایفا می‌کند. این یافته با پژوهش زی آدنی و همکاران [۲۰] همسو بود. پژوهش آنها بر روی ۴۱۵ نفر از جمعیت شهری در امریکا صورت گرفت. در این پژوهش مشخص شد که بین ناگویی هیجانی و سبک‌های دفاعی بالغ رابطه معکوس وجود دارد. هر چقدر ناگویی هیجانی کمتر باشد، سبک دفاعی بالغ بیشتر مشاهده می‌شود. با توجه به اینکه دفاعهای "من" به عنوان مکانیسم‌های روانشناختی به منظور مدیریت عواطف ناتوان کننده مفهوم پردازش شده‌اند، اما دشواری در بازشناسی هیجانها و نارسایی در برقراری رابطه عاطفی با دیگران در سازمان دهی رفتار تأثیر گذار است [۱۵]. همچنین هوش هیجانی بالا استفاده از ساز و کارهای دفاعی رشد یافته را افزایش می‌دهد. زیرا این افراد بهتر می‌توانند هیجانات و عواطف منفی خود را مدیریت کنند [۲۱]. از طرفی، مقصر دانستن خود، نشخوار فکری، فاجعه بارتلقی کردن و باز ارزیابی مثبت به عنوان پیش بینی کننده‌های هیجانات منفی (افسردگی، اضطراب، استرس و خشم) معرفی شده‌اند [۲۲]. در پژوهشی دیگر نشان داده شد که استفاده از راهبردهای غیر سازگارانه تنظیم شناختی هیجان (مقصر دانستن خود، نشخوار فکری، فاجعه بارتلقی کردن) در افرادی که عواطف منفی مانند افسردگی، خشم و ناامیدی دارند شایع است [۲۳]. نا توانی در فرایندهای پردازش شناختی ادراک و ارزشیابی باعث درماندگی و آشفتگی فرد شده و احتمال استفاده از سبک‌های دفاعی نورویتیک و رشد نیافته را در شرایط استرس زا افزایش می‌دهد [۲۴]. نیز غالب شدن سبک دفاعی نورویتیک و رشد نیافته، استفاده از انکار، ابطال و نادیده انگاری را افزایش می‌دهد. لذا این افراد دشواری در ابراز هیجانات را به منزله دفاع علیه رویداد استرس زا می‌دانند. و از ساز و کارهای غیر انطباقی استفاده می‌کنند. استفاده از ناگویی هیجانی و نشخوار خشم خود، می‌تواند نوعی دفاع محسوب شود. فقدان تجربه عاطفی و پردازش‌های شناختی موجب ضعف در شناسایی احساسات و عواطف می‌شود. وقتی اطلاعات هیجانی به درستی در فرایند پردازش شناختی، ادراک و ارزیابی می‌شوند، سازمان دهی عواطف بهتر خواهد بود و در نتیجه سبک‌های دفاعی نیز به مدیریت بهتر این هیجانات و عواطف نائل می‌شوند. اختلال در پردازش این هیجانات می‌تواند منجر به اختلال در مدیریت عواطف و هیجانات شده و لذا سبک‌های دفاعی ناکارآمد مانند سبک‌های رشد نیافته و روان آزرده خود را نشان می‌دهند.

هدف بعدی پژوهش وجود معنا داری تفاوت متغیرهای پیش بین در بین مردان و زنان بود که با توجه به آزمونمان ویتنی مشخص شد که تفاوت میانگین در ناگویی هیجانی بین زنان و مردان معنی دار است. یعنی مردان ناگویی هیجانی بیشتری نسبت به زنان از خود نشان می‌دهند. مطالعات ضد و نقیض در این زمینه فراوان است. عده زیادی از مطالعات بیانگر این است که مردان ناگویی هیجانی بیشتری دارند. با این حال در مطالعات دیگری نیز گزارش شده است که بین زنان و مردان تفاوت معنی داری مشاهده نشده است [۲۵]. در توجیه این یافته می‌توان از نظریه "ناگویی هیجانی هنجاری مردان (Normative Male Alexithymia)" کمک گرفت. مردان معمولاً در شناسایی و ابراز احساسات و هیجانات خود ناتوان بوده و نسبت به زنان ضعیف‌تر هستند. این نظریه الگوهای اجتماعی و فرهنگ و هنجارها را همراه با

مانند سبک‌های رشد نیافته و روان آزرد، خود را نشان می‌دهند. در سطح عملی و مخصوصاً بالینی تهیه برنامه‌های آموزشی مهارت‌های ابراز هیجانات و کنترل خشم و نشخوار خشم می‌تواند به استفاده بهینه از مکانیزم‌های دفاعی رشد یافته کمک کند. این برنامه‌ها می‌توانند به چارچوب برنامه‌های مداخله‌ای موجود در زمینه پردازش‌های شناختی اطلاعات هیجانی و تنظیم هیجان‌ها و سبک‌های دفاعی افراد بیافزاید.

سپاسگزاری

این مقاله بخشی از رساله اینجانب می‌باشد. (با کد اخلاق ۹۵/۱۷/۱۰۷، ۹۵/۴/۲۳) از همه اساتید، همکاران و دانشجویانی که در اجرای پرسشنامه همکاری بیدریغ داشته‌اند، تشکر می‌کنم. اگر همکاری بدون چشمداشت آنان در پر کردن صادقانه پرسشنامه‌ها نبود، هرگز نمی‌توانستم مسیر پر فراز و نشیب اجرای پژوهش را طی کنم.

References

- Offer R, Lavie R, Gothelf D, Apter A. Defense mechanisms, negative emotions, and psychopathology in adolescent inpatients. *Compr Psychiatry*. 2000;41(1):35-41. doi: 10.1016/S0010-440X(00)90129-9 pmid: 10646617
- Andrews G, Singh M, Bond M. The Defense Style Questionnaire. *J Nerv Ment Dis*. 1993;181(4):246-56. pmid: 8473876
- Kwon P, Olson ML. Rumination and depressive symptoms: Moderating role of defense style immaturity. *Pers Individ Differ* 2007;43(4):715-24. doi: 10.1016/j.paid.2007.01.012
- Kipper L, Blaya C, Wachleski C, Dornelles M, Salum GA, Heldt E, et al. Trauma and defense style as response predictors of pharmacological treatment in panic patients. *Eur Psychiatry*. 2007;22(2):87-91. doi: 10.1016/j.eurpsy.2006.09.009 pmid: 17188844
- Bond M. Empirical studies of defense style: relationships with psychopathology and change. *Harv Rev Psychiatry*. 2004;12(5):263-78. doi: 10.1080/10673220490886167 pmid: 15590575
- Sukhodolsky DG, Golub A, Cromwell EN. Development and validation of the anger rumination scale. *Pers Individ Differ*. 2001;31(5):689-700. doi: 10.1016/S0191-8869(00)00171-9
- Anestis MD, Anestis JC, Selby EA, Joiner TE. Anger rumination across forms of aggression. *Pers Individ Differ*. 2009;46(2):192-6. doi: 10.1016/j.paid.2008.09.026
- Takebe M, Takahashi F, Sato H. The Effects of Anger Rumination and Cognitive Reappraisal on Anger-In and Anger-Control. *Cogn Ther Res* 2017;41(4):654-61. doi: 10.1007/s10608-017-9837-x
- du Pont A, Rhee SH, Corley RP, Hewitt JK, Friedman NP. Rumination and Psychopathology: Are Anger and Depressive Rumination Differentially Associated with Internalizing and Externalizing Psychopathology? *Clin Psychol Sci*. 2018;6(1):18-31. doi: 10.1177/2167702617720747 pmid: 29423343
- McIntosh RC, Ironson G, Antoni M, Lai B, Kumar M, Fletcher MA, et al. Psychological Distress Mediates the Effect of Alexithymia on 2-Year Change in HIV Viral Load. *Int J Behav Med*. 2017;24(2):294-304. doi: 10.1007/s12529-016-9602-7 pmid: 27882489
- Basharat M, Zahedi Tajrishi K, Nourbala A. [Comparison of emotional collapse and emotion regulation strategies in physicalization patients, anxious patients and normal people]. *J Contemp Psychol*. 2014;16:3-16.
- Orejuela-Dávila AI, Cann A, Tedeschi RG. Alexithymia Predicts Posttraumatic Growth and Distress After Trauma. *J Loss Trauma*. 2017;22(3):171-82. doi: 10.1080/15325024.2017.1284468
- Perry JC, Bond M. Addressing Defenses in Psychotherapy to Improve Adaptation. *Psychoanal Inq* 2017;37(3):153-66. doi: 10.1080/07351690.2017.1285185
- Bagby RM, Parker JDA, Taylor GJ. The twenty-item Toronto Alexithymia scale—I. Item selection and cross-validation of the factor structure. *J Psychosomat Res* 1994;38(1):23-32. doi: 10.1016/0022-3999(94)90005-1
- Parker JDA, Taylor GJ, Bagby RM. The relationship between emotional intelligence and alexithymia. *Pers Individ Differ*. 2001;30(1):107-15. doi: 10.1016/S0191-8869(00)00014-3
- Taylor G, Bagby R. An overview of the alexithymia construct. *The handbook of emotional intelligence*. San Francisco: Jossey-Bass; 2000. p. 263-76.
- Besharat MA. Reliability and factorial validity of a Farsi version of the 20-item Toronto Alexithymia Scale with a sample of Iranian students. *Psychol Rep*. 2007;101(1):209-20. doi: 10.2466/pr0.101.1.209-220 pmid: 17958129
- Besharat MA. Factorial and cross-cultural validity of a Farsi version of the Anger Rumination Scale. *Psychol Rep*. 2011;108(1):317-28. doi: 10.2466/02.08.09.PR0.108.1.317-328 pmid: 21526615
- Besharat M, Mohamad Mehr R. [Investigate the characteristics of anger rumination scale]. *J Nurs Midwifery Fac*. 2010;65:36-43.
- Ziadni MS, Jasinski MJ, Labouvie-Vief G, Lumley MA. Alexithymia, Defenses, and Ego Strength: Cross-sectional and Longitudinal Relationships with Psychological Well-Being and Depression. *J Happiness Stud*. 2017;18(6):1799-813. doi: 10.1007/s10902-016-9800-7 pmid: 29375250
- Pellitteri J. The relationship between emotional intelligence and ego defense mechanisms. *J Psychol*. 2002;136(2):182-94. doi: 10.1080/00223980209604149 pmid: 12081093
- Martin RC, Dahlen ER. Cognitive emotion regulation in the prediction of depression, anxiety, stress, and anger. *Pers Individ Differ*. 2005;39(7):1249-60. doi: 10.1016/j.paid.2005.06.004
- Sullivan MJL, Bishop SR, Pivik J. The Pain Catastrophizing Scale: Development and validation. *Psychol Assess* 1995;7(4):524-32. doi: 10.1037/1040-3590.7.4.524
- Ganji M, Mohammadi J, Tabrizian S. [Comparison between emotional regulation and defense mechanisms in mothers with students with and without learning disabilities]. *J Learn Disabil*. 2014;2(3):54-72.
- Williams CM, Hayden EW, Halter MJ, Levant RF. The Efficacy of Alexithymia Reduction Treatment: A Pilot Study. *J Men Stud* 2009;17(1):75-84. doi: 10.3149/jms.1701.75
- Hashemi T, Khalilzadeh Behroozian S, Mashini Abbasi N. [Sexuality, Alexithymia, and Theory of Mind in Students]. *J Soc Cogn Res*. 2013;1(2):34-45.
- Johnson DP, Whisman MA. Gender differences in rumination: A meta-analysis. *Pers Individ Dif*. 2013;55(4):367-74. doi: 10.1016/j.paid.2013.03.019 pmid: 24089583

28. Guerra RC, White BA. Psychopathy and Functions of Aggression in Emerging Adulthood: Moderation by Anger

Rumination and Gender. *J Psychopathol Behav Assess* 2016;39(1):35-45. doi: [10.1007/s10862-016-9563-9](https://doi.org/10.1007/s10862-016-9563-9)